

نقدی بر دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۴

ناصر جهانیان*

چکیده

«دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» نقشه راه تحقق این نوع از توسعه را در سطح جهان مشخص کرده و بر استفاده بهینه از آن برای تبدیل جهان به مکانی بهتر تا سال ۲۰۳۰ تأکید می‌کند. این منشور قرن بیست و یکم برای «مردم و کره زمین» آشکارا تبلیغ می‌کند که ما می‌توانیم اولین نسلی باشیم که فقر را پایان داده است، همان‌طور که شاید آخرین نسلی باشیم که شانس نجات دادن زمین را دارد.

ادعای مقاله این است که «دستور کار ۲۰۳۰» کشتی نوح نجات بخش نسل بشر از انقراض و «پایان تاریخ» نیست؛ بلکه تداوم پروژه «غربی‌سازی» و نقشه راه جهانی‌سازی و حاکمیت سرمایه‌سالاری به دست تمامی کشورهای عضو سازمان ملل می‌باشد. اثبات خواهد شد که «قبله‌سازی» کشورهای توسعه یافته به‌طور عام و «الگوسازی» این کشورها در زمینه تولید و مصرف به‌طور خاص هدف واقعی این دستور کار است؛ هر چند اهداف ظاهری آن هفده هدف باشد؛ از این رو این تحقیق اکتشافی است. روش تحقیق در مرحله گردآوری اطلاعات اسنادی یا کتابخانه‌ای است و در مباحث توسعه به روش تحلیلی عمل خواهد شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشکل اصلی در راه‌حل‌های ارائه شده در «دستور کار ۲۰۳۰» یعنی «قبله‌سازی» و «الگوسازی» نهفته است.

واژگان کلیدی: الگوهای توسعه، الگوی مصرف، الگوی تولید، توسعه پایدار، توسعه یافته.

طبقه‌بندی JEL: O01, O10, Z12.

۲۵

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هجدهم / شماره ۷۲ / زمستان ۱۳۹۷

Email: nhj1337@yahoo.com.

*. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

مقاله «نقد الگوی توسعه انسانی از منظر آموزه‌های اسلامی و پیشنهاد راهبردهای اصلاحی» (ر.ک: ناصر جهانیان؛ اقتصاد اسلامی؛ ش ۴۶، تابستان ۱۳۹۱) به خوبی نشان داد که الگوهای توسعه قرن بیستمی، اعم از الگوی توسعه وابسته و الگوی توسعه انسانی قرن بیستمی علی‌رغم قالب روشنفکرانه این الگوی اخیر، دردی از جوامع در حال توسعه دوا نکرده است؛ به نحوی که /ولاف ژورون مدیر اداره سیاست‌های توسعه برنامه توسعه سازمان ملل متحد می‌گوید:

در سال ۲۰۱۱ و تا این زمان از سال ۲۰۱۲، اختراهای شفافیت از طبیعت شنیده‌ایم که بشریت با خودپسندی مرزهایش را تحت فشار قرار داده است، درست شبیه اختراهای شفافیت که از جوامع شنیده‌ایم که حقوق بشر، عدالت، فرصت‌ها و کار شرافتمندانه، دسترسی به سلامت و انرژی قابل مدیریت از لحاظ اقتصادی را درخواست می‌کنند.

با وجود این، وی برای قرن بیست‌ویکم، الگوی توسعه پایدار مورد اجماع سیاست‌سازان را شرط موفقیت دانسته و می‌گوید: «پاسخ‌دهی موفق نیازمند تصمیم‌سازی از سرتاسر بخش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی است تا گرد هم آمده و آینده‌ای را که همه ما می‌خواهیم، خلق کنند».**

این گردهمایی انجام شد و رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی ملل متحد، دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند.

بدین ترتیب، در قرن بیست و یکم، بار دیگر قالب روشنفکرانه دیگری با عنوان «دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» طراحی شد که تداوم پروژه «غربی‌سازی» و نقشه راه جهانی‌سازی و حاکمیت سرمایه‌سالاری است. این دستورکار که به امضای تمامی کشورهای عضو سازمان ملل رسیده نقشه راه تحقق توسعه پایدار را در سطح جهان

** <http://hdr.undp.org/en/humandev/forum2012/>.

مشخص کرده و بر استفاده بهینه از آن برای تبدیل جهان به مکانی بهتر تا سال ۲۰۳۰ تأکید می‌کند. این منشور قرن بیست و یکم برای «مردم و کره زمین» آشکارا تبلیغ می‌کند که ما می‌توانیم اولین نسلی باشیم که فقر را پایان داده است، همان‌طور که شاید آخرین نسلی باشیم که شانس نجات دادن زمین را دارد (سند سازمان ملل متحد، ۱۳۹۵، ص ۲۸).

ادعای مقاله این است که «دستورکار ۲۰۳۰» کشتی نوح نجات بخش نسل بشر از انقراض و «پایان تاریخ» نیست؛ بلکه نسخه‌ای دیگر برای تداوم سلطه استعمار در قالب‌های قدیم، نو و فرانو بوده و در نهایت به دنبال سلطه سرمایه بر کار، تداوم نابرابری، افزایش کشورهای حاشیه‌نشین بسیار فقیر و حفظ تداوم الگوی مصرف مترفانه غربی است. ضرورت این تحقیق از چند جهت می‌باشد:

۱. این دستورکار به امضای ایران اسلامی رسیده است؛ از این رو لازم است با توجه به مشکلاتی که این سند ممکن است در آینده برای کشور از لحاظ محدودیت‌ها و تحریم‌های جدید به جهت اجرای اقتصاد مقاومتی که در برخی موارد با این سند در تعارض است تحقیق درباره چگونگی مواجهه هوشمندانه مدیریت پیامدهای این سند ضروری است.

۲. مقام معظم رهبری این سند را از اسناد بالادستی سازمان ملل دانسته که یک منظومه فکری و فرهنگی و عملی در پشت صحنه برای همه دنیا دارند فکر و فرهنگ و عمل تولید می‌کنند؛ خوب اینها چه کسانی هستند؟ ایشان خطاب به جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها بر لزوم بررسی ابعاد گوناگون این سند از سوی اساتید تأکید کرده و می‌فرمایند:

اینها چه حقی دارند که درباره کشورها، درباره ملت‌ها، درباره سنت‌هایشان، درباره عقایدشان، اظهار نظر کنند که باید این‌جوری کنید، باید آن‌جوری کنید؛ همه اینها هم «باید» است. اینکه می‌گویند الزام نیست، این سطحی‌نگری است؛ نخیر؛ در واقع، همه اینها الزام است و هر کدام از اینها که تحقق پیدا نکند، بعد به عنوان یک نقطه منفی به حساب خواهد آمد که «در فلان جدول، ته جدول قرار می‌گیرید؛ فلان امتیاز از شما سلب می‌شود!» همه اینها این‌جوری است؛ در واقع همه اینها «باید» است، ولو در ظاهرش «باید» نباشد. چه لزومی دارد؟ خب ما از چند سال قبل از این آمدیم گفتیم «الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت»؛ بنده کلمه توسعه را هم عمداً به کار نبردم. آقایانی که مسئول این کار هستند و از آن وقت ما با اینها ارتباط داریم، می‌دانند؛ بنده عمداً گفتم کلمه توسعه را من به کار

نمی‌برم؛ چون کلمه توسعه یک کلمه غربی است؛ یک مفهوم غربی دارد؛ من کلمه پیشرفت را به کار می‌برم؛ الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی. خب این الگو را بگردیم پیدا کنیم. چرا باید برای پیشرفت ما، دست‌های غربی الگو بدهند به صورت همین سند توسعه پایدار یا ۲۰۳۰ و امثال اینها؟ اینها کار کیست؟ کار شماها است، کار دانشگاه‌ها است، کار اساتید است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۳/۳۱).

۳. لزوم مواجهه با اسناد بین‌المللی از موضع گفتمان تمدن جدید اسلامی در قبال تمدن سکولار غرب.

فرضیه تحقیق اکتشافی است. اثبات خواهد شد که «قبله‌سازی» کشورهای توسعه‌یافته به‌طور عام و «الگوسازی» این کشورها در زمینه تولید و مصرف به‌طور خاص هدف واقعی این دستورکار است؛ هرچند اهداف ظاهری آن هفده هدف باشد. روش تحقیق در مرحله گردآوری اطلاعات اسنادی یا کتابخانه‌ای است و در مباحث توسعه به روش تحلیلی عمل خواهد شد.

بخش‌های اصلی مقاله عبارت‌اند از: ادبیات و پیشینه تحقیق؛ تعریف توسعه پایدار در دستورکار ۲۰۳۰، چستی دستورکار ۲۰۳۰، چگونگی دستورکار ۲۰۳۰ در زمینه‌های «قبله‌سازی» و «الگوسازی» و جمع‌بندی و نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که مشکل اصلی در راه‌حل‌های ارائه‌شده در «دستورکار ۲۰۳۰» یعنی، «قبله‌سازی» و «الگوسازی» نهفته است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

اولاً، ادبیات اصلی این تحقیق را خود سند سازمان ملل با عنوان «Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development» با دو ترجمه: یکی از طرف نمایندگی این سازمان در ایران و دیگری از سوی سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی ایران با عنوان «دگرگون‌ساختن جهان ما: دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» فراهم کرده است.

ثانیاً، درباره پیشینه این تحقیق، یعنی، «نقد دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» کتاب، مقاله یا نوشته محققانه‌ای وجود ندارد. البته، درباره بخشی از مباحث آموزشی این دستورکار نقدهای گوناگونی نوشته شده است؛ ولی عنوان این مقاله درباره تمامی بخش‌های این دستورکار است؛ البته در مورد «دستورکار ۲۰۳۰» مقاله‌ای با عنوان «مروری

بر ظرفیت‌ها و موانع تحقق اهداف توسعه پایدار: از دستورکار ۲۱ تا دستورکار ۲۰۳۰»، به صورت آنلاین در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۶ منتشر شده که از منظر حقوقی برخی ابعاد دستورکار ۲۰۳۰ را بررسی کرده و ادعایش اینست که در تدوین دستورکار ۲۰۳۰ از عناصر چهارگانه «جامع‌نگری»، «شفافیت»، «عدالت‌محوری» و «جهان‌شمولی» غفلت گردیده است. مقاله پیش رو تلاش دارد از منظر اقتصاد توسعه با رویکرد اسلامی به نقد سند بپردازد.

تعریف توسعه پایدار در دستورکار ۲۰۳۰

اصطلاح توسعه پایدار به صورت وسیع بعد از گزارش کمیسیون برانت‌لند ۱۹۸۷ تحت عنوان آینده مشترک ما به‌ویژه پس از اجلاس زمین در ریودوژانیروی برزیل ۱۹۹۲ مطرح شد. معنای تحت‌اللفظی این اصطلاح عبارت است از: «حفظ و تداوم توسعه در طول زمان» (Elliott, 2006, p.9). در واقع توسعه پایدار صفت و موصوف هستند؛ یعنی توسعه‌ای که در طول زمان پایدار است و حفظ می‌شود و کمبود منابع طبیعی، منابع انسانی و منابع مادی موجب از بین رفتن آن نمی‌شود.

اما اولین معنای اصطلاحی آن در کمیسیون برانت‌لند ۱۹۸۷ که توسط سازمان ملل سرپرستی می‌شد، ارائه شد: «توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون قربانی کردن توانایی نسل آتی برای تأمین نیازهایشان تأمین می‌کند». هرمن دلی (Herman Daly) یکی از مدیران بخش محیط زیست بانک جهانی درباره این تعریف می‌نویسد:

در همان حال که این تعریف به هیچ وجه بی‌معنا نیست؛ اما به حد کفایت مبهم است تا وفاق گسترده‌ای را فراهم کند. احتمالاً در آن زمان این راهبرد سیاسی خوبی بود که وفاق بر مفهومی مبهم بهتر از عدم توافق بر تعریفی دقیق می‌باشد. با وجود این تا ۱۹۹۵، این ابهام اولیه دیگر مبنایی برای وفاق نبود؛ بلکه بستری برای اختلاف شد (Daly, 1996, p.2).

تا اوایل دهه ۱۹۹۰، بیشتر از هفتاد معنا برای توسعه پایدار ارائه شده بود (Elliott, 2006, p.9). سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) با افزودن سه هدف امروزی توسعه، کمی از ابهام تعریف قبلی را برطرف کرد: «توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه نسل حاضر است بدون اینکه توانایی نسل‌های آتی را برای برآوردن نیازهایشان در خطر قرار دهد» (OECD, The

(DAC Guidelines 2001, p.11). بیشترین تعریف توسعه پایدار تعریفی است که اشاره به سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شده و ظاهراً اولین بار در سال ۱۹۸۷ باربیر (Barbier) اینها را به شکل سه دایره به هم پیوسته ارائه کرد (Elliott, 2006, p.11)؛ اما آنچه باعث شهرت این تعریف شد اجلاس جهانی سران دولت‌ها در مورد توسعه پایدار در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۲ بود که در این اجلاس ۱۰۴ نفر از سران دولت‌ها بر وابستگی پیچیده توسعه زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی تأکید کردند (Elliott, 2006, p.9).

بدین ترتیب، آگاهی‌های فزاینده‌ای که چالش‌های فقر، نابرابری و محیط زیست برای اندیشه سنتی توسعه ایجاد کرد به پذیرش وسیع و رو به تزاید مفهوم سه‌بعدی توسعه پایدار منجر شد. این توجه جدید به ترکیب عوامل اجتماعی و زیست‌محیطی نشان می‌دهد که دیگر این خطوط فکری در حاشیه سیاست‌های توسعه اقتصادی نیستند؛ بلکه هر سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مسیر اصلی را تشکیل می‌دهند (Harris, 2001, p. xxxiii).

از این رو تعریف توسعه پایدار با ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در دستورکار ۲۰۳۰ توسط دولت‌ها، جوامع مدنی، بخش خصوصی و اساتید دانشگاهی عملیاتی و نهادینه شد؛ در واقع پس از تدوین و تصویب «اهداف توسعه هزاره» در سال ۲۰۰۰، در سال ۲۰۱۰ در اولین اجلاس اهداف توسعه هزاره دولت‌ها از دبیرخانه خواستند برنامه‌ای توسعه‌ای بعد از ۲۰۱۵ را که پایان بازه زمانی اهداف توسعه هزاره است را پیشنهاد کند. در سال ۲۰۱۲ در سالگرد بیستمین اجلاس زمین در ریودوژانیرو کشورها در بیانیه پایانی ریو+۲۰ با عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» بر تعهد جهانی برای تدوین اهداف سه‌گانه توسعه پایدار از طریق یک پروسه همه‌گیر تأکید کردند. پروسه تدوین اهداف توسعه پایدار به عهده گروه کاری مجمع عمومی سازمان ملل گذاشته شد که شامل ۳۰ نماینده از بیش از ۸۰ کشور بودند. این گروه کاری پیشنهادهای خود را طی جلسات متعدد کاری در جولای ۲۰۱۴ ارائه دادند که در سپتامبر ۲۰۱۴ در مجمع عمومی مطرح شد. این گروه کاری در نهایت آرمان‌های کلی و اهداف جزئی را ارائه نمودند (ر.ک: مستوفی‌فر، ۱۳۹۴/۰۷/۲۵).

چپستی دستورکار ۲۰۳۰

دستورکار ۲۰۳۰ میلادی توسعه پایدار از پنج بخش برخوردار است: ۱. مقدمه؛ ۲. بیانیه؛ ۳. اهداف اصلی و فرعی توسعه پایدار؛ ۴. ابزارهای اجرایی و مشارکت جهانی؛ ۵. پیگیری و بررسی یا تجدیدنظر.

بخش اول: مقدمه

فلسفه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این دستورکار در مقدمه به‌طور فشرده، ساده و بدون فلسفه‌بافی و بدون ذکر نظریه‌پردازانی که پشتیبان فکری آن بودند مطرح شده است:

۱. متخذ از الگوی توسعه انسانی، «مردم» هدف توسعه پایدار هستند و قرار است تا از انواع فقر و گرسنگی رهایی یافته و استعدادهای انسان در پرتو تضمین کرامت، رعایت برابری و محیط زیستی سالم تحقق یابد.

۲. متخذ از الگوی توسعه انسانی و با افزودن دو رویکرد حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی در عصر جهانی‌شدن، عنصر «مشارکت» در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه شده تا این دستورکار بتواند عملیاتی شود.

۳. «کره زمین» چهار نقش اساسی در فعالیت‌های اقتصادی بشر ایفا می‌کند که عبارت‌اند از: الف) حمایت از معیشت؛ ب) عرضه منابع طبیعی؛ ج) جذب ضایعات محصولات؛ د) عرضه خدمات رفاهی و تفریحی. باید جلوی تخریب این چهار نقش «کره زمین» را از طریق تولید و مصرف پایدار، مدیریت پایدار منابع طبیعی و اقدام فوری در مورد تغییر اقلیم گرفت تا نیازهای نسل فعلی و آتی همچنان تأمین گردد.

۴. «صلح» و امنیت بستر توسعه پایدار است و فقدان توسعه پایدار نیز «صلح» و امنیت را از بین می‌برد؛ از این رو دستورکار ۲۰۳۰ به دنبال ترویج جوامع فراگیر، عدالت‌محور و صلح‌جو هست؛ جوامعی که به‌دور و رها از ترس و خشونت هستند.

۵. هدف نهایی اعلامی دستورکار ۲۰۳۰ رفاه و کامیابی همه افراد بشر در پرتو پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و فناورانه سازگار با طبیعت می‌باشد. دستیابی به این هدف از طریق تحقق هفده هدف کلی و ۱۶۹ هدف جزئی یا تاکتیکی می‌باشد. از آنجاکه

تحقق اهداف توسعه هزاره (۲۰۰۰-۲۰۱۵ میلادی) با ناکامی‌هایی مواجه شد، اهداف هفده‌گانه فوق به دنبال تحقق و تکمیل چیزی هستند که اهداف توسعه هزاره بدان نرسید. این اهداف هفده‌گانه اهدافی منسجم و ملموس هستند و میان ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار تعادل برقرار می‌کنند.

بخش دوم: بیانیه

بیانیه دستورکار ۲۰۳۰ شامل هشت بخش است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. در بخش اول، یعنی بخش «مقدمه» در پاراگراف اول آمده است: «ما رؤسای دولت‌ها و کشورها و نمایندگان عالی‌رتبه که به مناسبت هفتادمین سالروز تأسیس سازمان ملل متحد، از ۲۵ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵ در مقر آن در نیویورک گرد هم آمده‌ایم، در مورد اهداف جدیدی برای توسعه پایدار توافق کرده‌ایم».
۲. در بخش دوم یعنی بخش «دیدگاه ما» عمدتاً بر فلسفه، هدف نهایی، اهداف اصلی و بسترهای تحقق سند ۲۰۳۰ تأکید شده است.
۳. در بخش سوم یعنی بخش مهم «اصول و تعهدات مشترک ما» مبنای دستورکار ۲۰۳۰ را «اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه هزاره و سند پایانی اجلاس جهانی سران ۲۰۱۵ و اعلامیه حق توسعه» اعلام کرده و بر نتایج همه کنفرانس‌ها و نشست‌های مهم سران سازمان ملل متحد را که پایه‌گذار توسعه پایدار شده‌اند و در شکل‌گیری دستورکار حاضر مؤثر بوده‌اند، تأکید می‌شود. در پاراگراف دوازدهم همین بخش، سران دولت‌ها اعلام می‌کنند: «ما مجدداً تمامی اصول مطرح‌شده در بیانیه ریو درباره محیط‌زیست و توسعه به‌ویژه اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت را که در ذیل اصل هفتم سند آورده شده است، تأیید می‌کنیم». در پاراگراف سیزدهم همین بخش بر «رویکرد جدید» برای رویارویی مؤثر با چالش‌های به‌هم‌وابسته و مرتبط «ریشه‌کنی همه اشکال و ابعاد فقر، مبارزه با نابرابری در درون و در میان کشورها، حفاظت از کره زمین، ایجاد رشد اقتصادی پایدار، جامع و فراگیر و ترویج شمول اجتماعی» تأکید کرده که این «رویکرد جدید» قهرماً مداخله دولت‌های سلطه‌گر و حاکمیت جهانی سازمان‌های بین‌المللی در امور کشورهای مستقل را تسهیل می‌کند.

۴. بخش چهارم یعنی بخش «جهان امروز ما» به چالش‌های زیادی که امروزه توسعه پایدار با آن مواجه است می‌پردازد. در پاراگراف هفدهم این بخش بر دامنه بسیار فراتر این دستورکار نسبت به «اهداف توسعه هزاره» تأکید کرده و به‌طور تلویحی نقایص ابزارهای تحقق توسعه دستورکارهای قبلی را اعلام می‌کند: «دستورکار پیش رو همچنین ابزارها و راه‌های تحقق توسعه را به‌دقت تشریح می‌کند. رویکرد منسجمی را که در تهیه این دستورکار اتخاذ کرده‌ایم، بیانگر وجود پیوندهای عمیق و عناصر بین‌رشته‌ای متعددی میان اهداف اصلی و فرعی جدید است».

۵. در بخش پنجم یعنی بخش «دستورکار جدید»، در پاراگراف هجدهم ضمن پیشنهاد ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی به نکته مهمی اشاره می‌شود: «پیش از این، رهبران جهان هیچ‌گاه به اقدام و تلاش‌های مشترکی در راستای تحقق دستورکاری جهانی و به این گستردگی متعهد نشده بودند. ما در کنار هم، در مسیر توسعه پایدار قدم گذاشته‌ایم و همگی به تحقق توسعه جهانی و همکاری از نوع برد برد متعهد شده‌ایم». در پاراگراف بیست‌وهشتم رهبری تغییرات الگوی تولید و مصرف را بر عهده کشورهای توسعه‌یافته می‌گذارد. در پاراگراف سی‌مطلب مبهم و دارای تفسیرهای گوناگونی مطرح می‌شود: «دولت‌ها اکیداً از انجام و ترویج هرگونه اقدام یک‌جانبه اقتصادی، مالی و یا تجاری که در راستای حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد نباشد و مانع تحقق کامل توسعه اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه شود، منع شده‌اند».

۶. بخش ششم درباره «روش‌های اجرا» و بخش هفتم مربوط به «پیگیری و بازبینی یا تجدیدنظر» است.

۷. بخش هشتم یعنی بخش «فراخوان اقدام برای ایجاد تغییر در جهان ما» ضمن اعلام «محوریت مردم» در توسعه پایدار، برای ترغیب دولت‌ها، جوامع مدنی، سازمان‌های بخش خصوصی و شرکت‌های چندملیتی و همه مردم دنیا به پیروی از سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار، در پاراگراف پنجاهم چنین اعلام می‌شود:

ما امروز با یک تصمیم تاریخی مواجه هستیم. ما به دنبال ایجاد آینده‌ای بهتر برای همه، به‌ویژه میلیون‌ها نفری هستیم که شانس این را نداشته‌اند که از یک زندگی آبرومندانه، شرافتمند و باارزش برخوردار شوند و نتوانسته‌اند از نهایت توان انسانی خود بهره بگیرند

و آنچه را که به واسطه انسان بودن سزاوار آن هستند، دارا باشند. ما می‌توانیم اولین نسلی باشیم که فقر را پایان داده است، همان‌طور که شاید آخرین نسلی باشیم که شانس نجات- دادن زمین را دارد. اگر بتوانیم به اهداف خویش جامه عمل بپوشانیم، جهان در سال ۲۰۳۰ مکان بهتری از امروز خواهد بود.

در پاراگراف ۵۳ اعلام می‌شود که: «ما نقشه راه تحقق توسعه پایدار را مشخص کرده‌ایم. این مسئولیت همه ماست که موفقیت این گذار و برگشت‌ناپذیری دستاوردهای آن را تضمین کنیم.»

بخش سوم: اهداف اصلی و فرعی توسعه پایدار

۱۶۹ هدف فرعی دستورکار اجرایی برای دستیابی به ۱۷ هدف اصلی توسعه پایدار است. این اهداف اصلی را می‌توان در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار توزیع کرد. البته، باید متذکر شد که دو هدف اصلی شانزدهم و هفدهم با این سه بعد مرتبط است؛ ولی در واقع اهداف بسترساز و مربوط به «امنیت داخلی و صلح جهانی» و «ایجاد همکاری و نظم نوین بین‌المللی» می‌باشند. این اهداف در جدول یک به تفکیک نمایش داده شده است.

جدول یک: نمایش اهداف اصلی توسعه پایدار

<p>۱. هدف هفتم: تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه، مطمئن، پایدار و نوین؛</p> <p>۲. هدف هشتم: ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره‌ور و اشتغال شرافت‌مندانه برای همه؛</p> <p>۳. هدف نهم: ساختن زیربنای مقاومتی، ترویج صنعتی‌سازی پایدار و فراگیر و ترویج نوآوری؛</p> <p>۴. هدف دوازدهم: تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف.</p>	<p>اهداف اقتصادی</p>
<p>۱. هدف اول: پایان‌دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه‌جا؛</p> <p>۲. هدف دوم: پایان‌دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار؛</p> <p>۳. هدف سوم: تضمین یک زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای</p>	<p>اهداف اجتماعی</p>

<p>همه و در تمامی سنین؛</p> <p>۴. هدف چهارم: تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه؛</p> <p>۵. هدف پنجم: دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران؛</p> <p>۶. هدف ششم: تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه؛</p> <p>۷. هدف دهم: کاهش نابرابری در درون و در میان کشورها؛</p> <p>۸. هدف یازدهم: تبدیل شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی به مکان‌های همه‌شمول، امن، مقاوم و پایدار.</p>	
<p>۱. هدف سیزدهم: اقدام عاجل برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن؛</p> <p>۲. هدف چهاردهم: حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار؛</p> <p>۳. هدف پانزدهم: پاسداشت، احیا و ترویج استفاده پایدار از بوم‌سازگان‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی و توقف و معکوس‌سازی روند تخریب یا فرسایش زمین و همچنین متوقف‌ساختن تخریب تنوع زیستی.</p>	اهداف زیست‌محیطی
<p>۱. هدف شانزدهم: ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخ‌گو و فراگیر در همه سطوح.</p>	هدف امنیت داخلی و صلح جهانی
<p>۱. هدف هفدهم: تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای تحقق توسعه پایدار.***</p>	هدف ایجاد همکاری و نظم نوین بین‌الملل

***. برای تحقق این هدف، پنج فعالیت تأمین مالی، انتقال فناوری، ظرفیت‌سازی، تجارت بین‌الملل و موضوعات نظام‌ساز از قبیل ثبات اقتصاد کلان جهانی، افزایش مشارکت چندجانبه جهانی و افزایش ظرفیت‌سازی جهانی از قبیل کمک به نظام آماري کشورهای در حال توسعه طرح شده است.

بخش چهارم: ابزارهای اجرایی و مشارکت جهانی

در پاراگراف شصتم ضمن تأکید مؤکد بر تعهد همه کشورها بر اجرای کامل دستورکار ۲۰۳۰ بر نظم نوین دیگری در سایه مشارکت جهانی از نو احیاشده‌ای با تجمیع دولت‌ها، جامعه مدنی، بخش خصوصی، نظام ملل متحد و سایر نقش‌آفرینان و در سایه گردآوری همه منابع مالی ممکن در حمایت از اجرای اهداف اصلی و فرعی یادشده تأکید می‌کند.

در پاراگراف شصت‌ویکم اهداف اصلی و فرعی مذکور را ابزار لازم برای تحقق آرمان‌های جمعی کشورها می‌داند. پاراگراف شصت‌وسوم از آنجاکه می‌خواهد دخالت نظم نوین بین‌المللی را در کشورها تا حدودی معقول و مشروع کند مبهم بیان شده و زیگزراگی حرکت می‌کند. در این پاراگراف آمده است:

راهبردهای منسجم ملی برای توسعه پایدار که مورد حمایت چارچوب‌های یکپارچه ملی برای تأمین مالی هستند، در رأس تلاش‌های ما قرار خواهند گرفت. ما بار دیگر بر این موضوع تأکید می‌کنیم که هر کشوری، شخصاً مسئول توسعه اجتماعی و اقتصادی خود است؛ ضمن اینکه نمی‌توان نقش سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ملی را بیش از حد بزرگ جلوه داد. ما به فضای سیاسی و نقش رهبری تک‌تک کشورها در اجرای سیاست‌هایی برای ریشه‌کنی فقر و توسعه پایدار در راستای تعهدات و قوانین مرتبط بین‌المللی و همسو با آنها، احترام می‌گذاریم؛ در عین حال لازم است که فعالیت‌های ملی برای توسعه، توسط یک فضای توانمندکننده اقتصادی بین‌المللی، از جمله یک نظام تجارت جهانی منسجم و حمایت‌کننده همه‌جانبه، نظام حمایت‌گر مالی و حاکمیت تقویت‌شده و گسترش‌یافته اقتصادی جهانی، پشتیبانی شوند. فرآیندهای تدوین و تسهیل دسترسی به دانش مناسب و فناوری در سراسر جهان و ظرفیت‌سازی، از اهمیت حیاتی برخوردارند. ما به ترویج سیاست‌گذاری‌های منسجم و ایجاد فضای توانمندکننده برای تحقق توسعه پایدار در همه سطوح و توسط همه عواملان و نیز به تقویت و تحکیم مشارکت‌های جهانی برای توسعه پایدار متعهد می‌شویم.

در پاراگراف شصت‌وهشتم، سازمان تجارت جهانی را ناظر بر جهانی‌سازی مبتنی بر توسعه پایدار دانسته و اعلام می‌دارد:

تجارت جهانی، ابزاری برای رشد اقتصادی فراگیر و کاهش فقر است و در ترویج توسعه پایدار نقش دارد. ما به ترویج یک نظام جهانی، قانون‌مدار، باز، شفاف، قابل پیش‌بینی،

فراگیر، به دور از تبعیض، منصفانه و چندجانبه برای تجارت تحت نظارت سازمان تجارت جهانی ادامه می‌دهیم؛ به علاوه، برای آزادسازی معنی‌دار یا واقعی فعالیت‌های تجاری نیز تلاش خواهیم کرد. ما از همه اعضای سازمان تجارت جهانی می‌خواهیم تا فعالیت‌های خود را برای نتیجه‌گیری سریع در مورد دستورکار توسعه دوحه، دو برابر کنند.

بخش پنجم: پیگیری و بررسی یا تجدیدنظر

مطابق پاراگراف‌های ۴۷ و ۸۷، مجمع سیاسی عالی‌رتبه که زیر نظر مجمع عمومی و شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند، مسئولیت نظارت بر امور، پیگیری و بررسی اجرای دستورکار را در سطح جهانی بر عهده خواهد داشت. مجمع سیاسی عالی‌رتبه، هر چهار سال یکبار تحت نظارت مجمع عمومی تشکیل می‌شود و در مورد دستورکار و اجرای آن، راهکارهای مهم سیاسی ارائه می‌دهد. از وظایف دیگر این مجمع، شناسایی پیشرفت و چالش‌های در حال ظهور و بسیج اقدامات لازم برای تسریع اجرای دستورکار است. مجمع عمومی عالی‌رتبه بعدی، در سال ۲۰۱۹ و تحت نظارت مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود. علت ترتیب‌دادن چرخه نشست‌ها به این شکل، آن است که با فرآیند جامع چهارساله مرور سیاست‌گذاری‌ها، بیشترین انسجام را داشته باشد؛ البته خود دولت‌ها مسئولیت مهم پیگیری و بررسی پیشرفت حاصل از اجرای اهداف اصلی و فرعی دستورکار حاضر را در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی در ۱۵ سال آینده بر عهده خواهند داشت.

مطابق پاراگراف ۴۸ برای کمک‌کردن به این اقدام شاخص‌هایی طراحی شده است. به منظور اندازه‌گیری پیشرفت حاصل شده و تضمین مشارکت همه در این فرآیند، به داده‌های مجزای کیفی، قابل دسترس، به‌هنگام و موثق نیاز است. این داده‌ها، لازمه تصمیم‌گیری هستند. هر جا که ممکن باشد می‌بایست از داده‌ها و اطلاعات قابل دسترس از طریق سازوکارهای موجود گزارش‌دهی استفاده شود.

مطابق پاراگراف ۷۵ پیگیری و بازبینی اهداف اصلی و فرعی بر مبنای مجموعه‌ای از شاخص‌های جهانی انجام می‌شود. این شاخص‌ها توسط شاخص‌های ملی و منطقه‌ای که به وسیله کشورهای عضو تهیه می‌شوند، تکمیل خواهند شد.

مطابق پاراگراف ۸۲ مجمع سیاسی عالی‌رتبه، در خصوص نظارت بر شبکه فرآیندهای پیگیری و بازبینی در سطح جهانی نقش کلیدی دارد. این مجمع به شکل منسجم و نزدیک با مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای اجتماعی و اقتصادی و سایر ارگان‌ها و مجامع مرتبط، در راستای دستورکارها و قوانین موجود کار می‌کند. این مجمع، تبادل تجارب، از جمله: اقدامات موفق، چالش‌ها و آموخته‌ها را تسهیل می‌کند و برای فرآیندهای پیگیری، خط‌مشی و توصیه ارائه می‌دهد و نقش هدایتگر و راهنما دارد. مجمع یادشده، در نظام ملل متحد برای امور سیاست‌گذاری در حوزه توسعه پایدار هماهنگی ایجاد می‌کند. از فعالیت‌های مجمع، تضمین ارتباط موضوعی و قدرت دستورکار است و می‌بایست بر ارزیابی پیشرفت، دستاوردها و چالش‌هایی که کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند و نیز مسائل و مشکلات جدید و در حال ظهور، تمرکز نماید.

چگونگی «دستورکار ۲۰۳۰» در زمینه‌های «قبله‌سازی» و «الگوسازی»

به نظر می‌رسد دستورکار ۲۱ (ریو ۱۹۹۲)، اجلاس‌های مقدماتی منجر به ریو+۲۰ و خود دستورکار ۲۰۳۰ در فضای دهه ۱۹۹۰ نوشته شده است. در این دهه چنین تخیل شده بود که روسیه و چین در مسیر لیبرالیسم اجتماعی و سیاسی گام برمی‌دارند و دستیابی به یک نظم جهانی منشعب از غرب اروپا و شمال آمریکا، قابل تصور است؛ اما امروزه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی دیگری مانند ایران، روسیه و چین وجود دارند که این نظم را بر نمی‌تابند و سلطه‌گران غربی به سرکردگی آمریکا باید در شرق آسیا با چین، در شرق اروپا با روسیه و در غرب آسیا با ایران رقابت کند (ر.ک: سریع‌القلم، ۱۳۹۵، صص ۱۰۶ و ۱۳۱). علی‌رغم تغییر فضای دهه ۱۹۹۰، غرب همچنان با توجه به نفوذش در سازمان‌های بین‌المللی طراحی‌های خودش را از طریق اتاق فکرش مانند مجمع سیاسی دستورکار ۲۰۳۰ به رهبری دیوید کامرون (نخست‌وزیر سابق انگلیس) و عناصر غرب‌زده‌ای چون رئیس‌جمهور سابق لیبیا، خانم جانسون که بعد از فرار از کشورش هنگامی که وزیر دارایی بود بلافاصله رئیس سیتی بانک آمریکا در کنیا شد (ر.ک: ویکی‌پدیا، ذیل واژه الن جانسون، رئیس‌جمهور

لیبریا)، اعمال می‌کند. در این قسمت، به این نکته توجه می‌دهیم که علی‌رغم اهداف ظاهری و ادعایی هفده‌گانه دستورکار ۲۰۳۰، دو مسئله «قبله‌سازی توسعه‌یافته‌ها» و «الگو‌سازی توسعه‌یافته‌ها در زمینه تولید و مصرف پایدار» و تداوم سلطه غرب از اهداف واقعی این دستور می‌باشند.

قبله‌سازی توسعه‌یافته‌ها

در این تحقیق، «قبله‌سازی» به معنای «رسیدن به توسعه‌یافته‌ها» می‌باشد. اهداف اصلی تفکیک‌شده در جدول یک و پاراگراف‌های «دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» نشان می‌دهند که رفاه مادی، سکولاریسم، فمینیسم، سازمان‌های بین‌المللی تحت سلطه‌ای چون سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، قبله‌ها و مراجع فکری و سازمانی کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ هستند؛ از سوی دیگر روش‌ها و ابزارهای سیاستی این دستورکار نشان می‌دهند که گویا تنها قبله فکری و مکتب حاکم بر روابط بین‌المللی مکتب لیبرال سرمایه‌داری است و در نتیجه می‌بایست با ایجاد و حمایت مستمر از بازار آزاد جهانی، حذف یارانه‌های تولید و مصرف و افزایش صادرات بدون لحاظ قدرت کشورها در رابطه مبادله به استمرار نابرابری جهانی، منطقه‌ای و ملی تداوم بخشید.

یکی دیگر از مصادیق قبله‌سازی توسعه‌یافته‌ها از طریق هدف پنجم جدول یک، یعنی، هدف ایجاد همکاری و نظم نوین بین‌الملل (هدف هفدهم)* تأمین می‌شود. با توجه به اینکه یکی از ابزارهای ایجاد این همکاری افزایش ظرفیت‌سازی جهانی از قبیل کمک به نظام آماري کشورها در حال توسعه و آموزش شاخص‌های ترکیبی مانند شاخص توسعه انسانی و شاخص توسعه پایدار می‌باشد، این پرسش طرح می‌شود که این نظام آماري مبتنی بر چنین شاخص‌هایی چه کشورهایی را قبله کرده و برتری دائمی آنها را تثبیت می‌کند؟ نویسنده این مقاله، در مقاله «نقد الگوی توسعه انسانی از منظر آموزه‌های اسلامی و پیشنهاد راهبردهای اصلاحی» به خوبی نشان داد که شاخص توسعه انسانی که دو هدف اقتصادی و اجتماعی از اهداف سه‌گانه شاخص توسعه پایدار را نمایندگی می‌کند شاخص

*. هدف هفدهم: تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای تحقق توسعه پایدار.

ضعیفی است؛ با وجود این، قبله‌سازی کشورهای توسعه‌یافته را نسبت به کشورهای در حال توسعه نشان داده و مهر عقب‌ماندگی و نرسیدن را بر پیشانی این کشورها داغ می‌کند؛ این در حالی است که شاخص‌های توسعه انسانی و توسعه پایدار، ظلم و استثمار کشورهای سلطه‌گر را نشان نمی‌دهند؛ این شاخص‌ها ننگ عدم استقلال کشورهای زیر سلطه را نمایان نمی‌کنند؛ و همین‌طور این شاخص‌ها عیب عدم تولید مستقل و ملی را نمی‌توانند نشان دهند؛ لذا می‌بایستی با استفاده از معیارهای عزت اسلامی - نظم بین‌الملل جدید مبتنی بر ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلومین - معنویت، عقلانیت و مصلحت دینی، امنیت، عدالت و شکوفایی اقتصادی شاخص‌های جدیدی طراحی شود و کشورهای جهان در این محورها ارزیابی شده و در آن هنگام است که تا حدودی می‌توان به مقایسه پیشرفت خداپسندانه و مردم‌سالارانه کشورها دست یافت (ر.ک به: نهانیان، ۱۳۹۱، صص ۵۴ و ۵۹).

الگوسازی توسعه‌یافته‌ها در زمینه تولید و مصرف پایدار

اما منظور از «الگوسازی» دستورکار ۲۰۳۰ توسعه پایدار چیست؟ پاسخ به این پرسش، با مطالعه «دستورکار ۲۰۳۰» به روشنی به دست می‌آید. در بند ۲۸، در اهداف ۸،۴ و ۱۲،۱ تصریح شده که می‌بایست تغییرات بنیادی در الگوهای تولید و مصرف کالاها و خدمات جوامع داده شود. دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، بخش کسب‌وکار و عوامل غیر دولتی و افراد باید به این تغییر برای «تقویت پایداری کشورهای در حال توسعه» کمک کنند. بهتر است چارچوب اجرایی این تقویت، برنامه‌های ده‌ساله در مورد الگوهای مصرف و تولید پایدار باشد. همه کشورها این چارچوب را عمل می‌کنند، همراه با کشورهای توسعه‌یافته‌ای که رهبری این فرآیند را بر عهده می‌گیرند؛ در حالی که توسعه و قابلیت‌های کشورهای در حال توسعه را در محاسبات خود در نظر می‌گیرند.

در هدف ۸،۴ به‌طور صریح اعلام می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، بهبود تدریجی کارایی منابع جهانی در مصرف و تولید و تلاش برای قطع ارتباط رشد اقتصادی از تخریب زیست‌محیطی، برحسب چارچوب ده‌ساله برنامه‌های مصرف و تولید پایدار، با رهبری کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌شود.

در هدف ۱۲،۱ به‌طور روشن بیان می‌شود که اجراکردن چارچوب ده‌ساله برنامه‌های الگوهای مصرف و تولید پایدار. همه کشورها این کار را با رهبری کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌دهند؛ درحالی‌که رعایت توسعه و قابلیت‌های کشورهای درحال توسعه می‌شود. همان‌طور که مطالب فوق نشان می‌دهند، «دستورکار ۲۰۳۰» اولاً، فرض می‌کند کشورهای توسعه‌یافته الگوهای مصرف و تولید پایدار دارند؛ ثانیاً، الگوهای مصرف و تولید پایداری به غیر از این الگوها وجود ندارند؛ و ثالثاً، کشورهای درحال توسعه بهتر است در چارچوب برنامه‌های ده‌ساله توسعه پایدار که با رهبری کشورهای توسعه‌یافته و کمک‌گرفتن از الگوهای تولید و مصرف بهینه‌شان و لطف این کشورها برای انتقال فناوری‌های لازم در زمینه تولید و مصرف پایدار انجام می‌گیرد برای رسیدن به توسعه پایدار تلاش کنند.

تأمل در سه‌گانه فوق نشان می‌دهد که نه فرض پایداری الگوهای تولید و مصرف کشورهای توسعه‌یافته درست است؛ نه الگوهای فوق تنها الگوهای بهینه هستند؛ و نه کمک مؤثری از سوی آنها برای انتقال فناوری صورت می‌گیرد.

۵۱

ادعای پایداری الگوهای تولید و مصرف کشورهای توسعه‌یافته

برای پاسخ مختصر به این ادعا، نظام‌های سرمایه‌داری توسعه‌یافته غربی را در اهداف ادعایی خودشان، یعنی، اشتغال‌زایی، عدالت و پایداری زیست‌محیطی بررسی کرده و ملاحظه خواهد شد بین این واقعیات و اهداف واقعی تفاوت‌های بسیاری وجود دارد.

ادعای اشتغال‌زایی

منابع و مآخذ بسیاری وجود دارند که این ادعاها را رد کرده‌اند و اعلام می‌دارند که علی‌رغم رشد اقتصادی تقریباً مداوم نظام‌های سرمایه‌داری اولاً، اشتغال‌زایی متناسب ایجاد نشد. به موجب گزارش سال ۱۹۹۴ «کمیسیون اروپایی درباره رشد، توان رقابت و اشتغال» بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۲، اقتصاد آمریکا هفتاد درصد رشد کرد ولی میزان اشتغال در این کشور تنها ۴۹ درصد افزایش یافت. وضعیت رشد اشتغال در ژاپن و اروپا از آمریکا نامناسب‌تر است. در ژاپن رشد اقتصادی ۱۷۳ درصد و رشد اشتغال فقط ۲۵ درصد بود؛ درحالی‌که اقتصاد جامعه اروپا ۸۱ درصد رشد کرد، رشد اشتغال تنها ۲۵ درصد بود. نکته مهم این است که تقریباً همه این شغل‌های جدید توسط بخش دولتی ایجاد شده‌اند.

اشتغال‌زایی بخش خصوصی در جامعه اروپا در طول دهه ۱۹۸۰ هیچ‌گونه رشدی نداشت (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۰۴-۳۰۵).

ثانیاً، پس از سال ۲۰۰۸ میلادی، نظام سرمایه‌داری آمریکا و دیگر متحدانش نمی‌توانند معرف نظام اشتغال‌زایی موفق باشند. در واقع، از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به این سو، به‌ویژه پس از ۲۰۰۸، اقتصاد آمریکا تحولات بنیادینی را در محتوا و جهت‌گیری تجربه کرده است. اگر در گذشته، قدرت اقتصادی آمریکا در مجتمع‌های بزرگ تولیدی، تجاری و عمده‌فروشان خلاصه می‌شد، امروزه این قدرت به بانک‌ها، شرکت‌های اعتباری و مالی و فناوری اطلاعات منتقل شده است. شرکت‌های مالی به برون‌سپاری و بهره‌برداری وسیع‌تر از فناوری بسیار علاقه‌مند هستند (ر.ک: سریع‌القلم، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲). شرکت‌های بزرگ با روی آوردن به کار مالی و بازار بورس، فرهنگ جدیدی را در کسب درآمد سریع ایجاد کرده‌اند و با کمک صدها لابی‌گر در دستگاه‌های دولتی و قانونگذاری، چهره جدیدی به سرمایه‌داری آمریکا بخشیده‌اند؛ این جریان جدید بر راضی‌نگهداشتن سهام‌داران در ازای سرمایه‌گذاری برای کار و تولید، بسیار تأکید داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که هم دستمزدها رشد نکرده است و هم جمعیت طبقه متوسط سنتی آمریکا، کاهش یافته است. هم‌اکنون بسیاری از شرکت‌های بزرگ، مانند بانک‌ها عمل می‌کنند و با قرض گرفتن با نرخ بهره بسیار پایین، سهام خود را دوباره خریده و این‌گونه، قیمت سهام خود را افزایش می‌دهند و سهام‌داران خود را راضی نگه می‌دارند (همان، ص ۱۲۳).

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، بسیاری از شرکت‌ها حدود چهل درصد از درآمد خود را صرف سرمایه‌گذاری می‌کردند؛ اما هم‌اکنون پول نقد و درآمد در بازار سهام به کار گرفته می‌شود؛ زیرا سریع‌تر به درآمد بالاتر می‌رسد. در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۵، پانصد شرکت بزرگ، حدود چهار تریلیون دلار از سهام خود را دوباره از بازار خریده‌اند. استراتژی شرکت‌ها بر این اساس شکل گرفته است که درآمد خود را به خارج از آمریکا منتقل کنند تا کمتر مالیات بدهند و سهم بازار خود را به‌طور تدریجی افزایش دهند (همان).

به این ترتیب، شرکت‌ها نرخ درآمد بیشتری دارند؛ زیرا هزینه‌ها را کاهش داده‌اند، دستمزدها را ثابت نگه داشته‌اند، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و از نزاع‌های قانونگذاران بهره می‌گیرند؛ از این منظر، اقتصاد آمریکا در حال یک انتقال بزرگ، از تولید به خدمات است.

برون‌سپاری و بهره‌برداری گسترده از بازار کار ارزان در کشورهای آسیایی، نرخ درآمد شرکت‌ها را به شدت بالا برده است. طی دو سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴، گروه‌های لابی مؤسسه‌های مالی برای تنظیم قوانین مورد علاقه خود در دولت، ۱/۴ میلیارد دلار هزینه کرده‌اند. سهام شرکت‌ها به طور دائم در حال رشد است؛ نه به این سبب که متغیرهای کلان اقتصادی بهبود یافته‌اند؛ بلکه به دلیل عدم رشد دستمزدها، کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد کلان و همچنین خرید مجدد سهام شرکت‌ها. بدهی شرکت‌ها از ۵/۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۶ به ۷/۴ تریلیون در سال ۲۰۱۵ رسید؛ به گونه‌ای که یک متخصص مالی بیان کرد، فرازونشیب سهام برای مؤسسه‌های مالی بهترین دوست است (همان، ص ۱۲۴).

بدین ترتیب، اشتغال‌زایی در نظام‌هایی که هلموت / شمیت، صدراعظم پیشین آلمان از آنها به «سرمایه‌داری درندگان» و برخی با واژه نرم‌تر «سرمایه‌داری کازینویی» نام برده‌اند بسیار مشکل خواهد بود (ر.ک: کاپیتالیزم درندگان، ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد).

ادعای عدالت‌خواهی

برابری، خط قرمز نظام سرمایه‌داری است و اگر در طول دو بیست سال گذشته برخی شاخص‌های عدالت مانند ضریب جینی از وضعیت بهتری برخوردار شده ارتباطی به ماهیت این نظام ندارد؛ بلکه مرتبط با صنعتی شدن و گسترش طبقه متوسط ناشی از آن، حق چانه‌زنی اتحادیه‌های کارگری و ترس از جنبش‌های مختلف اجتماعی است. از آنجاکه حداکثرکردن بازده اقتصادی در نظام سرمایه‌داری یک اصل قطعی است، ساختار نهادی یا شکل آن بر رابطه میان مالکیت سرمایه و ابزار تولید و کار دستمزدی بدون مالکیت، استوار است. ساختار اقتصادی یا محتوای نظام سرمایه‌داری بر صنعتی شدن بازاری، مبتنی است؛ بنابراین طبیعی است که در این نظام، سرمایه حاکمیت داشته و نیروی کار اعم از حقوق‌بگیر و مزدبگیر (یقه سفیدها و یقه آبی‌ها) که به طور معمول هفتاد تا هشتاد درصد افراد این جوامع را تشکیل می‌دهند، نقش چندانی در تعیین استراتژی‌ها نداشته و محکوم طبقه مالکان و مردان سازمانی باشند. آمارها نشان می‌دهند که این ساختارها نظام طبقاتی بسیار نابرابری را به ارمغان آورده است؛ به نحوی که در حدود بیست درصد جمعیت این کشورها تقریباً بر پنجاه درصد درآمد سالیانه دسترسی دارند؛ در حالی که هشتاد درصد

باقیمانده، نیمه دیگر مزدهای پرداختی سالیانه را دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، داده‌های موجود در خصوص پراکندگی درآمدها، نشان می‌دهد، درآمد متعلق به بیست درصد بالای کشور، همواره در حال ازدیاد بوده است و درآمدی که عاید بیست درصد پایین جامعه می‌شود، در حال کاهش است؛ بنابراین بر ایند این داده‌ها حکایت از پیدایش و گسترش شکاف میان «فقیران» و «ثروتمندان» در این کشورها دارد. نظام سرمایه‌داری با همه ساختارهای روحی، نهادی و اقتصادی خود، نظام طبقاتی ویژه‌ای ایجاد کرده است. حداقل سه عامل وجود طبقات و وجود نابرابری را تثبیت و حتی گسترده‌تر می‌کنند؛ این سه عامل عبارت‌اند از:

۱. کوشش ثروتمندان و قدرتمندان در حفظ سلطه اقتصادی و سیاسی خود؛

۲. ایجاد نهادهای اجتماعی مسلط از سوی ثروتمندان و قدرتمندان؛

۳. ایجاد «فرهنگ پذیرش نابرابری» توسط ثروتمندان و قدرتمندان.

این سه عامل موجب «سلطه سرمایه بر کار» و «سلطه نظام اقتصادی بر دیگر خرده نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی» و «سلطه فرهنگ ثروت‌طلبی، دنیامحوری و مصرف‌گرایی» در کشورهای سرمایه‌داری غرب می‌شوند و حتی از طریق امپریالیسم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این عوامل به دیگر کشورهای جهان نیز سرایت می‌کنند. به‌طور خلاصه، سلطه سرمایه بر کار، سه درآمد هنگفت نسبت به درآمد ناشی از کار ایجاد می‌کند که منجر به افزایش نابرابری می‌شود: اول، اجاره‌های ناشی از مالکیت زمین و مستغلات؛ دوم، بهره‌های ناشی از وام و سوم، سود ناشی از استثمار نیروی کار فاقد «حق اجتماعی» و سود ناشی از انحصارات کامل و چندجانبه که امروزه این سود سهم بیشتری از استثمار مردم را دارد؛ چراکه بیشتر بنگاه‌های نظام‌های سرمایه‌داری انحصاری هستند (ر.ک. به: جهانپاز، ۱۳۸۲، ص ۸۶-۸۸).

ادعای پایداری خواهی

بالاخره، برای نظام‌های سرمایه‌داری رشد اقتصادی از اهمیت اول برخوردار است و چون ناپایداری زیست‌محیطی برای تداوم رشد مشکل ایجاد می‌کند به آن توجهی حداقلی می‌کنند. در واقع، محیط زیست و موجودات آن ابزاری هستند در کوشش جهت تداوم بین

نسلی رشد و درآمد ملی. آنچه که اهمیت دارد ایجاد امکانات تداوم در رشد اقتصادی است. با توجه به اینکه نظام سرمایه‌داری احتمال می‌دهد که تا نیم‌قرن آینده تأثیر آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته به‌طور نسبی اندک باشد، از تأثیر آلودگی‌ها در سطح جهانی غفلت می‌کند. لارنس سامرز اقتصاددان بانک جهانی با این بینش است که می‌گوید:

بهترین سیاست آن است که مناطق زندگی مردم فقیر را آلوده سازیم، زیرا در این نواحی دستمزدها پایین‌تر هستند؛ بنابراین هزینه‌های ناشی از مرگ و بیماری کمتر خواهند بود. علاوه بر این، کشورهای آفریقایی آلودگی پایینی دارند، زیرا هوای تمیزی دارند که ضایعات را جذب نمی‌کند (گیر، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳).

به‌طور مثال، در قضیه «پیمان کیوتو» و «پیمان پاریس» که مربوط به سرنوشت تمامی بشر است، ایالات متحده آمریکا برای حفظ رشد اقتصادی خود پایداری اقتصاد جهان را متزلزل ساخت. ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا یادآور شد: «ما - آمریکایی‌ها - بدون توافقنامه اقلیمی پاریس تمیزترین آب و هوا را داریم. ما با محیط زیست رفتار دوستانه خواهیم داشت؛ ولی ما تجارت و بیزینسمان را از کار نمی‌اندازیم» (<http://www.tabnak.ir/fa/news/699919>). بدین ترتیب، آنچه اولویت اساسی در نظام‌های سرمایه‌داری دارد رشد اقتصادی، بازده اقتصادی و کارایی است و اهداف دیگر نقش ابزاری را دارند که تا وقتی سازگار با هدف اساسی هستند قابل پذیرش‌اند.

ادعای انحصار بهینه‌بودن الگوهای تولید و مصرف کشورهای توسعه‌یافته

فرض مردود «دستورکار ۲۰۳۰» درباره بهینه‌بودن الگوهای تولید و مصرف کشورهای توسعه‌یافته با این ادعای تلویحی نیز همراه است که این الگوها تنها راه نجات برای پایداری جهان هستند. این ادعا نیز مردود است؛ اولاً، این ادعای تکراری اقتصاد ارتدوکس نئوکلاسیکی است که الگوی واحدی برای تمامی کشورها صادر کرده و توجه به فرهنگ و نهادها و سازوکارهای بومی ندارند؛ این در حالی است که اقتصادهای هترودوکس، الگوهای گوناگونی را معرفی می‌کنند؛ ثانیاً، اقتصاد اسلامی الگوهای خاصی در تولید و مصرف دارد که در جای خود معرفی شده است؛ ثالثاً، الگوی اسلامی ایرانی تولید و

مصرف که مبتنی بر اقتصاد اسلامی است از پذیرش الگوهای تولید عمدتاً سرمایه‌بر و تراوشی و الگوهای مصرف مبتنی بر مصرف‌گرایی غربی شدیداً اجتناب دارد.*

ادعای کمک مؤثر از سوی کشورهای توسعه‌یافته برای انتقال فناوری

اگر فرض کنیم که کشورهای توسعه‌یافته در طول حدود هفتاد سال گذشته در مورد انتقال فناوری گزینشی و ایدئولوژیک برخورد نکرده‌اند و آنچه برای پیشرفت نسبی کشورهای درحال توسعه لازم بود انجام داده‌اند، حداقل این فرض در مورد جمهوری اسلامی ایران صحت ندارد و مردم ایران از این منظر نه تنها از امکاناتی برخوردار نشدند؛ بلکه با محدودیت‌ها و حتی تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده به خاطر دستیابی خودجوش به فناوری‌های پیشرفته‌ای چون فناوری هسته‌ای مواجه شده‌اند.

اما فرض فوق برای دیگر کشورهای درحال توسعه نیز به دلایل ذیل صحت ندارد:

۱. گذشته چراغ راه آینده است

انتقال فناوری‌های کشاورزی و صنعتی عمدتاً گزینشی، ایدئولوژیک، دوگانه‌ساز و ناعادلانه بوده است (ر.ک: استاوریانوس، ۱۳۹۲، صص ۵۱۰ و ۵۲۰). کشورهای توسعه‌یافته چه در زمینه سرمایه‌گذاری و چه در زمینه کمک‌های اقتصادی و فنی با استفاده از ابزار شرکت‌های چندملیتی عمدتاً محیط زیست کشورهای درحال توسعه را آلوده‌تر می‌سازند. این شرکت‌ها با توجه به استاندارد بالای زیست‌محیطی کشورهای خود دچار محدودیت هستند؛ از این رو فناوری‌های با استاندارد پایین زیست‌محیطی را به کشورهای جهان سوم منتقل کرده و باعث آلودگی محیط زیست آنها می‌شوند - به‌طور مثال فاجعه کارخانه شیمیایی یونیون کارباید در بوپال هند - (ر.ک: حافظ‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۴۱).

*. برای توضیح الگوی تولید سرمایه‌بر و تراوشی به فصل چهارم کتاب «اهداف توسعه با نگرش سیستمی» و همچنین برای توضیح الگوی مصرف مبتنی بر مصرف‌گرایی غربی به مقاله «مصرف فراگیر و پایدار در سایه آموزه‌های توسعه اسلامی»، از تألیفات نگارنده مراجعه شود.

۲. اسناد مخالف ادعای فوق هستند

مطابق تحقیقی که درباره روند شکل‌گیری «سند اجلاس ریو+۲۰» انجام شده، دیدگاه اختصاصی ایالات متحده از یک‌سو و دیدگاه مشترک کشورهای توسعه‌یافته نشان‌گر جهت‌گیری آینده سند فوق‌الذکر و سیاسی‌بودن این‌گونه اسناد می‌باشد.

الف) دیدگاه اختصاصی ایالات متحده

۱. انتقال فناوری پایدار به کشورهای درحال‌توسعه به صورت داوطلبانه با توافق متقابل طرف‌ها باشد؛ این پیشنهاد ترفندی است برای وابسته‌کردن بیشتر و عدم احساس مسئولیت در مقابل آلوده‌سازی صنعتی دیگر کشورهایی است که می‌خواهند مستقل باشند. البته، در این مسئله نمایندگان سایر کشورهای صنعتی با ایالات متحده همراهی نموده و با پیشنهاد کشورهای غیر متعهد (گروه ۷۷) و چین مبنی بر ذکر انتقال بدون قید و شرط فناوری‌ها به کشورهای درحال‌توسعه مخالفت نمودند.

۲. عدم اشاره به اصل «مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت» و اختصاص «۰,۷ درصد تولید ناخالص ملی برای کمک‌های رسمی توسعه‌ای» به دلیل تغییر شرایط اقتصادی بین‌المللی، ضرورت فعال‌تر شدن کشورهای درحال‌توسعه با درآمد متوسط در اعطای کمک مالی به کشورهای نیازمند، محدودشدن اعطای تسهیلات مالی به کشورهای فقیر، بسیار مقروض، تأمین منابع مالی توسعه پایدار از طریق منابع داخلی و همکاری جنوب - جنوب، ضرورت تقویت بخش خصوصی، اهمیت تجارت و بهره‌برداری بهینه از کمک‌های رسمی توسعه‌ای از دیگر مواضع اعلام‌شده دولت آمریکا در طول مذاکرات بود (ر.ک به: امین منصور، ۱۳۹۱، ص ۴۶۴).

ب) دیدگاه مشترک کشورهای توسعه‌یافته

کشورهای توسعه‌یافته برای اعمال فشار بر کشورهای درحال‌توسعه از طریق سازمان‌های بین‌المللی و چانه‌زنی و نفوذ بیشتر بر این کشورها معمولاً در اسناد فوق‌الذکر ترجیح‌بندهای ذیل را آورده تا مسیر «قبله‌سازی» و «الگوسازی سرمایه‌سالارانه» را تداوم بخشند:

۱. ضرورت حاکمیت قانون، رعایت برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، حکومت‌گری مطلوب در سطح ملی، اشتغال‌سازنده و کار شرافتمندانه، مردم‌محوری در فعالیت‌ها و لزوم دسترسی به اطلاعات، فعال‌تر شدن بخش خصوصی و جوامع مدنی.

۲. ضرورت رفع موانع و گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورها با فراهم‌آمدن زمینه‌های قانونی، بسیج منابع مالی داخلی و همچنین مقابله با فساد مالی و اداری.

۳. مخالفت با ایجاد سازوکاری برای نظارت بر میزان کمک‌های مالی و چگونگی انتقال فناوری؛ از این رو بسیاری از آنها از تأکید قوی بر تعهدات ریو و پذیرفتن تعهد بیشتر در زمینه فراهم‌آوردن وسایل اجرایی خودداری نمودند (همان، ص ۴۶۶).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله پیش رو مهم‌ترین دغدغه بشر، یعنی، توسعه پایدار و سند «دگرگون‌ساختن جهان ما: دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» بررسی شد. پایداری توسعه دیگر فقط به معنای پایداری زیست‌محیطی نیست و ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیت داخلی، صلح جهانی و همکاری بین‌المللی نیز دارد. «دستورکار ۲۰۳۰» هرچند از طریق اهداف هفده‌گانه‌اش به این ابعاد گوناگون مفید به حال جوامع بشری پرداخته است؛ اما روش‌ها و ابزارهای سیاستی این دستورکار نشان می‌دهند که اهداف اعلامی با اهداف واقعی بسیار متفاوتند. دو مبحث «قبله‌سازی» و «الگوسازی» به‌خوبی نشان داد که تداوم پروژه «غربی‌سازی» و نقشه راه جهانی‌سازی و حاکمیت سرمایه‌سالاری از اهداف واقعی این سند می‌باشند.

«قبله‌سازی» به معنای «رسیدن به توسعه‌یافته‌ها» از روح و محتوای مادی‌گرایانه، از روش‌ها و ابزارهای سیاستی مرجع‌ساز توسعه‌یافته‌ها و از شاخص‌های مرجع معرفی شده در این سند برای ارزیابی کشورها آشکار شده است. این «قبله‌سازی» در تضاد با استقلال‌خواهی، روحیه کرامت و آزادگی کشورها و به‌ویژه در تضاد با اسلام‌خواهی ملت‌ها می‌باشد.

اما «الگوسازی توسعه‌یافته‌ها در زمینه تولید و مصرف پایدار» با مطالعه بند ۲۸، در اهداف ۸،۴ و ۱۲،۱ «دستورکار ۲۰۳۰» روشن شده است. در این بند سه ادعا شده است: ۱. ادعای

پایداری الگوهای تولید و مصرف کشورهای توسعه‌یافته؛ ۲. ادعای انحصار بهینه‌بودن الگوهای تولید و مصرف کشورهای توسعه‌یافته؛ ۳. ادعای کمک مؤثر از سوی کشورهای توسعه‌یافته برای انتقال فناوری. به نظر می‌رسد دلایل قانع‌کننده‌ای در بطلان این ادعاها ارائه شد. بدین ترتیب، مشکل اصلی «دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» در اهداف اعلامی خود نیست؛ بلکه مشکل در «قبله‌سازی» و «الگوسازی» نهفته است.

دولت جمهوری اسلامی ایران هرچند این سند را امضا کرده است؛ اما طبیعی است که مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند چنین سندی را به تصویب برساند؛ زیرا مردم و رهبری نظام با چنین اسنادی که هژمونی نظام سرمایه‌داری جهانی را تثبیت می‌کند به شدت مخالفند. با وجود تلاش‌هایی که برای پی‌ریزی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه، در سال‌های اخیر شده انصاف نیست با تبعیت از «دستورکار ۲۰۳۰» تمامی این سرمایه‌ها نادیده گرفته شود. اقتصاددانان و دانشمندان کشور می‌بایست با تلاش مضاعف و با استفاده از علوم و فناوری‌های در دسترس، الگوهای تولید و مصرف پایدار بومی و متناسب با فرهنگ اسلامی ایرانی را طراحی کرده و زمینه اجرایی‌کردن آنها را در اقتصاد کشور فراهم کنند.

منابع و مأخذ

۱. استاوریانوس، ال. اس؛ شکاف جهانی: سیر شکل‌گیری جهان سوم؛ ترجمه رضا فاضل؛ ج ۱، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
۲. امین منصور، جواد؛ «از ریو تا ریو به علاوه ۲۰، بررسی مذاکرات و نتایج کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد»، سیاست خارجی؛ ش ۱۰۱، تابستان ۱۳۹۱.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۶/۳/۳۱ (<http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=36930>).
۴. پورهاشمی، سیدعباس؛ «مروری بر ظرفیت‌ها و موانع تحقق اهداف توسعه پایدار: از دستورکار ۲۱ تا دستورکار ۲۰۳۰»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست؛ انتشار آنلاین از تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۶.

۵. جهانیان، ناصر؛ اهداف توسعه با نگرش سیستمی؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۶. _____؛ چالش فقر و غنا در کشورهای سرمایه‌داری؛ چ ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲.
۷. _____؛ «نقد الگوی توسعه انسانی و پیشنهاد راهبردهای اصلاحی»، اقتصاد اسلامی؛ ش ۴۶، تابستان ۱۳۹۱.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «رابطه نتایج استقراض و قدرت سیاسی و اقتصادی»، پاسدار اسلام؛ ش ۱۰۳، خرداد و تیر ۱۳۶۹.
۹. سریع‌القلم، محمود؛ «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی؛ س ۱۲، ش ۱، زمستان ۱۳۹۵.
۱۰. سند سازمان ملل متحد؛ دگرگون‌ساختن جهان ما: دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار؛ ترجمه مهرناز پیروزنیک؛ تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۵.
۱۱. کاستلز، مانوئل؛ عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه‌ای؛ ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
۱۲. گیر، آرن ای؛ پسامدرنیسم و بحران زیست‌محیطی؛ ترجمه عرفان ثابتی؛ تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.
۱۳. مستوفی‌فر، فرزانه؛ «اهداف جدید توسعه پایدار؛ جایگزین اهداف توسعه هزاره»، شنبه ۲۵ مهر ۱۳۹۴ (<http://www.fa.odvv.org/blog-1389>).
14. Daly, Herman E., **Beyond Growth; The Economics of Sustainable Development**; Boston: Beacon Press, 1996.
15. Elliott, Jennifer A.; **An Introduction to Sustainable Development**; London: Routledge, Taylor & Francis e-Library, 2006.

16. Harris, Jonathan M.; **A Survey of Sustainable Development: Social and Economic Dimensions**; edited by Jonathan M. Harris; Washington: Island Press, 2001.
17. OECD; **The DAC Guidelines; Strategies for Sustainable Development**; Guidance for Development Co-operation ,Paris: OECD Publications Service, 2001.

